



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5708 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026

Designing a Resilient Governance Model Based on the Teachings of Prophet Moses (AS)

Hasan Rangriz*, Zahra Roshan Azadeh**

Doi: 10.22034/ipr.2026.553181.2318

Receipt: 2025/10/13 - Revised: 2025/10/27- Accepted: 2025/12/20
(43-71)

Abstract

This study aimed to design a resilient governance model based on the teachings of Prophet Moses (AS). The research employed a qualitative method with an inductive approach, utilizing thematic analysis for data analysis. A significant aspect of this research is that previous studies on resilient governance have primarily focused on modern societies, revealing a notable gap in examining historical patterns of resilience relying on religious narratives, particularly the conduct (Seerah) of the Prophets as practical models of societal leadership. This study consequently sought to answer the following question: what are the components of resilient governance in the leadership conduct of Prophet Moses (AS), and how can they be presented as a conceptual model for modern governance? The governance approach of Prophet Moses (AS) in leading a society faced with numerous challenges and shocks can serve as a model for governance resilience in modern societies. The results of the study delineate a coherent conceptual model titled "Moses-Inspired Resilient Governance." At a macro level, this model rests on three fundamental pillars: the level of governance requirements in the domain of idealistic and legitimacy-giving foundations, the level of governance requirements in the domain of strategic management and adaptation, and the level of governance requirements in the domain of institution-building and development of human and social capital. These components can provide a model for implementing resilience in governance systems of modern societies.

Keywords: Governance, Resilient Governance, Prophet Moses, Statecraft, Government.



- *. Associate Professor, Human Resource Management, Department of Human Resource Management and Business, Faculty of Management, Kharazmi University, rangriz@khu.ac.ir
- ** PhD student, Department of Business Administration, Faculty of Management, Kharazmi University, Tehran, Iran, faezeroshan66@gmail.com

Cite this article: Rangriz, Hassan, and Roshan Azadeh, Zahra (1404). Designing a Resilient Governance Model Based on the Teachings of Prophet Moses. *Islamic Policy Research*, 13 (28), 43-71, 10.22034/ipr.2026.553181.2318: Doi



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه مذکور
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

طراحی الگوی حکمرانی تاب‌آور مبتنی بر آموزه‌های حضرت موسی

حسن رنگریز*، زهرا روشن آزاده**

Doi: 10.22034/ipr.2026.553181.2318

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۸/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹
(۴۳-۷۱)

چکیده

هدف این پژوهش، طراحی الگوی حکمرانی تاب‌آور مبتنی بر آموزه‌های حضرت موسی است. روش پژوهش، کیفی و با رویکرد استقرایی بود و به منظور تحلیل داده‌ها از فن تحلیل مضمون استفاده شد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بود که مؤلفه‌های حکمرانی تاب‌آور در سیره حضرت موسی کدامند و چگونه می‌توانند در قالب یک الگوی مفهومی برای حکمرانی نوین ارائه شوند. شیوه حکومت‌داری حضرت موسی در اداره جامعه‌ای که با چالش‌ها و شوک‌های متعددی روبرو بوده است، می‌تواند به عنوان الگویی برای تاب‌آوری حکمرانی در جوامع مدرن باشد. نتایج پژوهش یک الگوی مفهومی منسجم را ترسیم می‌کند. در سطح کلان، این الگو بر سه رکن اصلی استوار است: سطح الزامات حکمرانی در حوزه مبانی آرمانی و مشروعیت‌بخش، سطح الزامات حکمرانی در حوزه مدیریت راهبردی و سازگاری و سطح الزامات حکمرانی در حوزه نهادسازی و توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی. این مؤلفه‌ها می‌توانند الگویی برای پیاده‌سازی تاب‌آوری در نظام‌های حکمرانی جوامع مدرن فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی، حکمرانی تاب‌آور، حضرت موسی، دولت‌مداری، حکومت‌داری.



* دانشیار، مدیریت منابع انسانی، گروه مدیریت منابع انسانی و کسب و کار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، rangriz@khu.ac.ir.
** دانشجوی دکتری گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، faezeroshan66@gmail.com

۱. مقدمه

حکمرانی، همانند بسیاری از مفاهیم در علوم اجتماعی، اصطلاحی جدید نیست (رنگریز، ۱۴۰۱ ج: ۱۰۶). حکمرانی به عنوان یک فرآیند جدید حکومت کردن، فراتر از کارکردهای سنتی دولت، بر چگونگی اعمال اقتدار و نقش شبکه‌ای بازیگران دولتی و غیردولتی تأکید می‌کند (استوکر، ۱۹۹۸: ۱۹). حکمرانی ارتباط نزدیکی با واژه «حکومت‌داری» دارد و واژه حکومت‌داری بیشتر برای توصیف شیوه‌ای است که یک کشور به وسیله آن حکومت می‌کند (رنگریز، ۱۳۹۸ ب: ۲۳). در روایت قرآنی، حکمرانی فرآیندی پویا و مستقل از ساختار دولتی رسمی است که از طریق رهبری فکری، هدایت معنوی و تنظیم مناسبات اجتماعی محقق می‌شود. این دیدگاه برای تحلیل سیره انبیای پیش از اسلام دارای اهمیت بنیادین است؛ زیرا بسیاری از پیامبران، بدون تشکیل یک حکومت رسمی، وظایفی همچون رهبری جامعه، هدایت گری، قضاوت، آموزش و مبارزه با ظلم را بر عهده داشتند که همگی در ذیل مفهوم حکمرانی در معنای وسیع آن قرار می‌گیرند (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۰). باید توجه داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن به ذینفعان و مردمان، تصمیمات در ساحت حکمرانی را به امری مشکل مبدل نموده است (سید جعفری، ۱۴۰۴: ۹۰). مطالعات نشان می‌دهد بین تاب‌آوری و حکمرانی خوب پیوند عمیقی وجود دارد و یک حکمرانی خوب می‌تواند تاب‌آوری را افزایش دهد (بیدی و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۶). به عنوان نمونه، الگوی حکمرانی حضرت موسی (ع) بر همین پایه استوار است و در تقابلی آشکار با حکومت‌های سکولار قرار می‌گیرد. شیوه حکمرانی ایشان می‌تواند به عنوان الگویی از یک حکمرانی خوب، راهبردی برای حکومت‌های معاصر مورد بررسی قرار گیرد؛ الگویی که علیرغم چالش‌های متعدد و عمیق، با تکیه بر اصولی ریشه‌دار توانست جامعه بنی‌اسرائیل را در بحرانی‌ترین شرایط هدایت کند (هرشای و فریدمن، ۲۰۱۸: ۴). وجه تمایز این حکمرانی، «تاب‌آوری» حکمرانی ایشان در این شرایط به عنوان یک ویژگی محوری می‌باشد. به عبارتی سیره حکمرانی حضرت موسی (ع) را می‌توان به عنوان نمونه‌ای بارز از یک سیستم حکمرانی تاب‌آور بررسی نمود. ایشان که از نوادگان یعقوب نبی و از بزرگ‌ترین پیامبران بنی‌اسرائیل

است، سرگذشتی پُر حادثه دارند (دیباجی، ۱۳۸۷: ۸۴). ذکر ۱۳۶ باره نام ایشان در قرآن کریم که بیش از هر پیامبر دیگری است، خود گواهی بر کثرت حوادث در طول دوره رهبری ایشان است (همان: ۸۵). از مهم‌ترین این حوادث می‌توان به حرکت انقلابی علیه فرعون مصر و در نهایت ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر شریعت و عدالت اشاره کرد. حضرت موسی در طول دوران رهبری خود با چالش‌ها و شوک‌های گسترده‌ای مواجه بود؛ از ولادت مخفیانه و پرورش در کاخ فرعون گرفته تا مبارزه با فرعون، قارون و انحراف فرهنگی ماجرای گوساله و سامری که بخشی از زندگی پرمشقت و تلاش بی‌وقفه ایشان برای هدایت مردم بود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵). افزون بر این، قوم بنی اسرائیل به خیانت، بهانه‌گیری، سرکشی و ناسپاسی شهره بودند (خرقانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۹). رویکرد ایشان در مواجهه با این همه چالش، نمونه‌های متعددی از تاب‌آوری را در حکمرانی نشان می‌دهد (خرقانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۹). این تاب‌آوری به‌وضوح در گذار بنی اسرائیل از جامعه‌ای تحت ستم به امتی دارای قانون و هویت مستقل مشهود است (دیباجی، ۱۳۸۷: ۸۵). در ادبیات نظری مدرن، حکمرانی تاب‌آور به توانایی سیستم‌های حکومتی برای جذب شوک‌ها، تطبیق با تغییرات و حفظ کارکردهای اصلی در مواجهه با بحران‌ها اطلاق می‌گردد (لیبل و همکاران، ۲۰۰۶: ۱). مطالعات نشان می‌دهند که کیفیت نهادهای حکمرانی ارتباط مستقیمی با ظرفیت تاب‌آوری یک جامعه دارد (همان: ۱). بر این اساس، به‌کارگیری چارچوب نظری «حکمرانی تاب‌آور» که توسط لیبل و همکاران (۲۰۰۶) ارائه شده و بر سه ظرفیت «سازگاری»، «خودسازمان‌دهی» و «دگرگونی» استوار است، برای تحلیل تاریخی سیره حکمرانی حضرت موسی علیه السلام، از منظر روش‌شناسی انتخابی درستی به نظر می‌رسد. این انتخاب مبتنی بر این اصل است که دوره رهبری موسی علیه السلام را می‌توان نمونه‌ای کلاسیک از یک نظام حکمرانی در نظر گرفت که در معرض شوک‌ها و فشارهای گسترده بیرونی و درونی قرار گرفته است. واکاوی تاریخی روایات مربوط به موسی علیه السلام در چارچوب این نظریه نشان می‌دهد که حکمرانی ایشان نمونه‌های بارزی از هر سه ظرفیت را ارائه می‌دهد: مقابله با تهدیدات وجودی نظام فرعون، نمایشی از «ظرفیت سازگاری»؛ مدیریت انعطاف‌پذیر

نیازهای معیشتی و سازمانی قوم، نشان‌دهنده «ظرفیت خودسازمان‌دهی»؛ و انجام اصلاحات اجتماعی جدید مبتنی بر شریعت، تجلی «ظرفیت دگرگونی» در سطح سیستم است. در این شرایط پیچیده، پارادایم «حکمرانی تاب‌آور» به عنوان یک راهبرد کلیدی برای تقویت توانایی سیستم‌های سیاسی در پیش‌بینی، جذب، تطبیق و تحول در برابر شوک‌ها مورد توجه قرار گرفته است. با وجود غنای نظری این چارچوب، عمدتاً مطالعات تجربی آن معطوف به جوامع و نظام‌های حکمرانی مدرن بوده و خلأ قابل توجهی در مطالعه تاریخی الگوهای تاب‌آور با اتکا به میراث حکمت عملی تمدن‌های کهن به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، روایت‌های دینی و به‌ویژه سیره انبیا، به عنوان الگوهای عملی رهبری جامعه، می‌توانند منبعی ارزشمند برای شناسایی مؤلفه‌های پایدار حکمرانی باشند. در این میان، دوره رهبری حضرت موسی (ع) نمونه‌ای بی‌نظیر از یک سیستم حکمرانی در معرض بحران‌های متعدد و عمیق (از مقابله با فرعون تا سرگردانی در بیابان و انحرافات قوم) است که با وجود همه این فشارها، تداوم و موفقیت داشته است. بی‌تردید، حضرت موسی (ع) در جایگاه یک رهبر توحیدی و خدمتگزار، از سجایای اخلاقی و مدیریتی کم‌مانندی بهره داشته‌اند (شیخی علی‌آباد، ۱۴۰۳: ۱۰). با این حال، نکته حائز اهمیت در پژوهش حاضر، خلأ نظری موجود در مطالعات پیشین است؛ چراکه این مطالعات عمدتاً فاقد نگاه نظام‌مند و مبتنی بر چارچوب‌های نظری نوین (مانند حکمرانی تاب‌آور) برای استخراج مؤلفه‌های حکمرانی ایشان هستند (هرشای و فریدمن، ۲۰۱۸: ۴؛ شیخی علی‌آباد، ۱۴۰۳: ۱۰؛ لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۳). بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش بدین صورت تدوین می‌شود: مؤلفه‌های حکمرانی تاب‌آور در سیره حضرت موسی (ع) کدامند و چگونه می‌توانند در قالب یک الگوی مفهومی برای حکمرانی نوین ارائه شوند؟ پاسخ به این پرسش از طریق تحلیل مضمون با توجه به کتاب «پیامبران دولتمرد» صورت خواهد گرفت.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، این پژوهش درصدد است با به‌کارگیری چارچوب نوظهور «حکمرانی تاب‌آور»، سیره حکمرانی حضرت موسی (ع) را مورد بررسی قرار دهد. تبیین این

چارچوب مستلزم بررسی سیر تکاملی مفهوم محوری «تاب‌آوری» و سپس تلفیق آن با مفهوم «حکمرانی» می‌باشد. مفهوم تاب‌آوری ریشه در کار پیشگامانه هولینگ (۱۹۷۳) دارد که با نقد دیدگاه تک‌تعدالی در سیستم‌های اکولوژیک، نظریه «حالت‌های پایدار جایگزین» را ارائه داد. از نظر هولینگ، تاب‌آوری نه صرفاً به معنای پایداری در یک نقطه تعادل، بلکه ظرفیت کیفی سیستم‌ها برای جذب و تطبیق با رویدادهای غیرمنتظره، فارغ از شکل و منشأ آن‌هاست (هولینگ، ۱۹۷۳: ۱). با گذر زمان، این مفهوم به عرصه علوم اجتماعی راه پیدا کرد و در مطالعه سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیک به کار گرفته شد (پیراچینی، ۲۰۱۹: ۲۱۳). واکر و همکارانش (۲۰۰۴) چهار بعد کلیدی برای تاب‌آوری برمی‌شمرند: قلمرو، مقاومت، ناپایداری و پانارشی (واکر و همکاران، ۲۰۰۴: ۱).

قلمرو: حداکثر میزان تغییری که سیستم می‌تواند متحمل شود بدون آنکه توانایی بازگشت به حالت اولیه را از دست بدهد.

مقاومت: میزان دشواری یا سهولت در تغییر وضعیت سیستم.

ناپایداری: نشان دهنده نزدیکی وضعیت کنونی سیستم به یک آستانه بحرانی یا «نقطه اوج».

پانارشی: تأثیرپذیری تاب‌آوری یک سیستم در یک مقیاس خاص (مثلاً محلی) از تعاملات و پویایی‌های سیستم‌ها در مقیاس‌های بزرگ‌تر و کوچک‌تر.

ریشه‌شناسی واژه «حکم» در زبان عربی به مفاهیمی چون منع برای اصلاح، داوری و دانش و خرد بازمی‌گردد (راغب اصفهانی، ۴۲۵: ۲۸۸). حکمرانی به چگونگی اداره امور و شیوه اعمال قدرت و راهبری در جایی که مرزهای سنتی میان بخش عمومی و خصوصی کمتر مشخص است و شبکه‌های تعاملی نقش مهمی ایفا می‌کند، می‌پردازد (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۸). از مفهوم حکمرانی خوب در یک دهه گذشته به صورت گسترده‌ای صحبت و استفاده شده است. حکمرانی خوب را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای دستیابی به توسعه تعریف نموده‌اند (پیروز، ۱۴۰۰: ۱۶۵). در سال‌های اخیر، با درک غیرقابل‌پیش‌بینی بودن تغییرات در سیستم‌های اکولوژیک و

اجتماعی، اهمیت تاب‌آوری به‌ویژه در کانون توجه نظریه‌پردازان حکمرانی قرار گرفته است (پیراچینی، ۲۰۱۹: ۲۱۳).

حکمرانی تاب‌آور به ظرفیت نهادها و سیستم‌های حکمرانی برای مقابله با بحران‌ها، انطباق با تغییرات و حفظ یا بازیابی کارکردهای حیاتی خود تعبیر می‌شود. لیبل (۲۰۰۶) با طرح این پرسش اساسی که «کدام ویژگی‌های حکمرانی، تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهند؟»، به‌طور گسترده‌ای به رابطه این دو مفهوم پرداخت. از نظر او بین ویژگی‌های یک حکمرانی خوب و ظرفیت تاب‌آوری ارتباط وجود دارد. بر این اساس، حکمرانی تاب‌آور بر سه ظرفیت اصلی استوار است (لیبل و همکاران، ۲۰۰۶: ۲).

الف) ظرفیت خودسازمان‌دهی: توانایی سیستم برای حفظ و بازتولید هویت و ساختارهای اصلی خود، علیرغم تأثیرات خارجی.

ب) ظرفیت سازگاری: توانایی بازیگران سیستم برای یادگیری از تجربیات، بازیابی راهبردها و تنظیم فرآیندها در پاسخ به تغییرات.

ج) ظرفیت دگرگونی: توانایی سیستم در بازتعریف بنیادین ارزش‌ها، قواعد و نهادهای خود زمانی که ساختارهای موجود پاسخگو نیستند.

با در نظر گرفتن این چارچوب نظری، سیره حکمرانی حضرت موسی (ع) را می‌توان نمونه‌ای بارز و پیشگام از یک سیستم حکمرانی تاب‌آور تحلیل کرد. دوره رهبری ایشان که سرشار از چالش‌ها و شوک‌های متعدد بود (از مبارزه با نظام ستمگر فرعون تا رهبری قومی با ویژگی‌هایی چون ناسپاسی و بی‌ثباتی) بستری ایدئال برای آزمون مفاهیم حکمرانی تاب‌آور فراهم می‌آورد. رویکرد ایشان در مواجهه با این بحران‌ها، از قیام علیه ظلم تا مدیریت انحراف فرهنگی ماجرای گوساله‌سامری و عبور از فتنه‌های داخلی، تنها با تکیه بر صبر و استقامت نبود، بلکه هوشمندی ایشان در خنثی‌سازی تأثیرات مخرب (خودسازمان‌دهی)، یادگیری و بازتنظیم راهبردها در مواجهه با چالش‌های جدید (سازگاری) و درنهایت، هدایت جامعه بنی‌اسرائیل به سوی یک دگرگونی بنیادین از وضعیت بردگی به امتی دارای قانون و هویت مستقل را نشان می‌دهد. این گذار پارادایمی، عینیت بخشیدن به

ظرفیت «دگرگونی» در نظریه حکمرانی تاب‌آور است؛ بنابراین، فرض پژوهش بر آن است که رهبری حضرت موسی علیه السلام مبتنی بر اصولی بوده که امروزه در قالب «حکمرانی تاب‌آور» نظریه‌پردازی می‌شود. واکاوی مصادیق سه ظرفیت کلیدی مذکور در سیره ایشان، نه تنها درستی این چارچوب نظری را در یک بستر تاریخی-دینی تأیید می‌کند، بلکه می‌تواند به غنای ادبیات آن با ارائه نمونه‌های عینی و منحصر به فرد بینجامد.

۳. پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگران	عنوان	سال انتشار	چکیده
بیدی و همکاران	پیوند تاب‌آوری و حکمرانی خوب	۲۰۱۴	این پژوهش به مرور نظام مند مطالعات پیشین در زمینه پیوند «حکمرانی خوب» و «تاب‌آوری» می‌پردازد. در این مطالعه، تاب‌آوری به عنوان ظرفیت سیستم‌های پیچیده اجتماعی و اکولوژیکی برای یادگیری، مقابله، سازگاری و تحول در برابر شوک‌ها تعریف شده است و بر حکمرانی خوب به عنوان فرآیندی پاسخگو، شفاف، عادلانه و مشارکتی، به عنوان بخشی کلیدی برای دستیابی به تاب‌آوری تأکید می‌شود.
پیراچینی	به سوی تاب‌آوری عادلانه	۲۰۱۹	با اهمیت یافتن مفهوم تاب‌آوری در برابر تغییرات محیط زیستی، این پژوهش به توسعه چارچوب نظری «تاب‌آوری عادلانه» می‌پردازد.
سایکا و خیمنز	ویژگی‌های حکمرانی برای ایجاد تاب‌آوری	۲۰۲۳	این پژوهش با تمرکز بر بخش آب، به شناسایی ویژگی‌های کلیدی حکمرانی تطبیقی برای ایجاد تاب‌آوری در سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیکی می‌پردازد.

<p>این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به استخراج ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی (ع) به‌عنوان یک رهبر از منظر قرآن می‌پردازد. یافته‌ها ویژگی‌هایی چون قاطعیت در اجرای قانون، وظیفه‌شناسی، صبر در برابر سختی‌ها، رحمت و عدالت‌ورزی در مدیریت و تواضع را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها می‌تواند مبانی یک الگوی رفتاری در حکمرانی را ترسیم کند.</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>ویژگی‌های رفتاری رهبر از منظر قرآن با تأکید بر ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی</p>	<p>شیخ علی‌آباد</p>
<p>این مطالعه با استفاده از روش کمی، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تاب‌آوری اقتصادی کشورهای نفتی می‌پردازد. همچنین «کنترل فساد» به‌عنوان عاملی کلیدی حکمرانی خوب شناسایی شد.</p>	<p>۱۴۰۳</p>	<p>بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تاب‌آوری اقتصادی کشورهای منتخب صادرکننده نفت</p>	<p>حکم‌آبادی و همکاران</p>
<p>این پژوهش با انجام یک مطالعه نظام‌مند بر روایت‌های انبیا در قرآن، به ارائه تحلیلی جامع از چارچوب حکمرانی قرآنی می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که الگوی حکمرانی قرآنی بر چهار بعد به‌هم‌پیوسته «اعتقادی، اخلاقی، شریعت‌محوری و عقلانیت تجربی و عملی» استوار است.</p>	<p>۱۴۰۴</p>	<p>ابعاد چهارگانه حکمرانی در قرآن: تحلیل روایت‌های انبیای بیش از اسلام</p>	<p>لک‌زایی و همکاران</p>

با بررسی پیشینه پژوهش، به‌وضوح می‌توان دو جریان پژوهشی متمایز را مشاهده نمود: نخست، مطالعاتی نظیر پژوهش‌های بیدی و همکاران (۲۰۱۴: ۱)، پیراچینی (۲۰۱۹: ۲۱۳)، سایکا و خیمنز (۲۰۲۳: ۸۰۹) و حکم‌آبادی و همکاران (۲۰۱۹: ۱۴۰۳) که با تمرکز بر چارچوب‌های نوین مدیریتی، به تبیین ابعاد و شاخص‌های «تاب‌آوری» و «حکمرانی خوب» می‌پردازند و بر نقش آن در مواجهه با بحران‌ها تأکید دارند. دوم، پژوهش‌هایی همچون مطالعات شیخ علی‌آباد (۱۴۰۳: ۸) و لک‌زایی و همکاران (۱۴۰۴: ۶) که با اتکا به

منابع دینی، به استخراج و تحلیل الگوهای رهبری و حکمرانی از سیره انبیای الهی، به ویژه حضرت موسی علیه السلام، اقدام نموده‌اند. در این میان، پژوهش نجات‌بخش اصفهانی (۱۳۹۹: ۳۴) با تمرکز ویژه بر «مدیریت بحران» در سیره حضرت موسی علیه السلام، به استخراج ۱۶ اقدام در سه مرحله قبل، حین و پس از بحران پرداخته است. همچنین، باقری کنی و کاظمی نجفی آبادی (۱۳۹۲: ۱۵۷) در پژوهشی قرآنی و با بهره‌گیری از «روش تحقیق موضوعی در قرآن»، الگوی رهبری ایشان را مبتنی بر چهار اصل کلیدی «تعامل مستقیم با قوم»، «تذکر مستمر»، «تلاش برای وحدت کلمه» و «صبر» تبیین نموده‌اند. افزون بر این، نوبری و بیات (۱۴۰۳: ۱۱۵) در مطالعه‌ای نظام‌مند با به‌کارگیری «تحلیل محتوا»، به استخراج و ترسیم الگوی پنج بعدی مقابله فرعون (تبلیغاتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) در دو مرحله پیش و پس از ظهور موسی علیه السلام پرداخته‌اند.

باید دانست کانون توجه این پژوهش‌ها، «سبک رهبری» یا «الگوی مقابله دشمن» است و نه «حکمرانی تاب‌آور»، اما مؤلفه‌های بنیادینی که استخراج کرده‌اند، مانند «صبر» به‌عنوان زیرساخت روان‌شناختی رهبر در بحران‌ها، «تلاش برای وحدت کلمه» به‌عنوان سنگ بنای «سرمایه اجتماعی» و «طبقه‌بندی نظام‌مند تهدیدات» به‌عنوان نقشه راه برای تحلیل ظرفیت سازگاری، ارتباط مفهومی عمیقی با مدل حکمرانی تاب‌آور، به ویژه «سرمایه انسانی و اجتماعی» و «مدیریت راهبردی و سازگاری» دارند. با این وجود، با بررسی این پژوهش‌ها شکاف‌هایی نمایان می‌شود؛ بررسی نقادانه پیشینه حاکی از آن است که اگرچه همه مطالعات بررسی شده سهم ارزشمندی در شناخت سیره حکمرانی حضرت موسی علیه السلام یا توسعه چارچوب‌های نوین حکمرانی داشته‌اند، شکاف‌های مهمی در ادبیات موضوع احساس می‌شود که پژوهش حاضر درصدد پر کردن آن برآمده است. در همین راستا نوآوری این پژوهش در سه محور اصلی قابل ذکر است:

الف. این پژوهش از جمله معدود مطالعاتی است که با تلفیق «میراث حکمت عملی و دینی» با «چشم‌انداز نظری حکمرانی تاب‌آور» (بر مبنای چارچوب لیبل، ۲۰۰۶)، گامی فزاینده‌تر از پژوهش‌های پیشین برداشته است. این تلفیق، هم به غنای ادبیات مدرن حکمرانی با

ارائه نمونه عینی تاریخی می‌افزاید و هم الگوهای دینی را در قالبی قابل درک و کاربردی برای دنیای معاصر ارائه می‌دهد.

ب. پژوهش حاضر با بکارگیری «تحلیل مضمون» روشی نظام‌مند و عمیق را برای عبور از توصیف صرف تاریخی در سیره حکمرانی موسی (ع) به کار گرفته است. این رویکرد امکان استخراج الگویی منسجم و نظام‌مند از دل متون دینی و تاریخی را فراهم ساخته است.

ج. تا آنجا که نویسندگان بررسی نموده‌اند، این پژوهش از جمله نخستین مطالعاتی است که سیره حکمرانی حضرت موسی (ع) را از دریچه نظریه تاب‌آوری مورد تحلیل قرار داده و الگوی مفهومی بدیعی در این حوزه ارائه می‌نماید. بر این اساس، این پژوهش درصدد است با به‌کارگیری «روش تحلیل مضمون» در کتاب پیامبران دولتمرد، این خلأ را پر کرده و الگویی نوآورانه از «حکمرانی تاب‌آور» را مبتنی بر سیره ایشان ارائه نماید.

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، «مضمون» به‌عنوان الگوی معنایی کلیدی که قادر به تبیین بخشی از پرسش تحقیق باشد، تعریف می‌گردد (رنگریز، ۱۳۹۸ الف: ۶۳). فرآیند تحلیل مضمون در این پژوهش به‌صورت نظام‌مند و بر اساس الگوی سه‌مرحله‌ای استرلینگ (۲۰۰۱) سازمان‌دهی و اجرا شد (استرلینگ، ۲۰۰۱: ۳۸۵). مراحل عملیاتی کار به شرح زیر بود:

۴-۱. استخراج مضامین پایه: متن منتخب در بخش‌های مرتبط با حکمرانی حضرت موسی (ع) در کتاب «پیامبران دولتمرد» بارها و به‌طور عمیق مطالعه شد. در این مرحله، هر جمله، عبارت یا گزاره معناداری از متن که به نحوی به اقدامات، تصمیمات، چالش‌ها یا ویژگی‌های حکمرانی اشاره داشت، استخراج گردید. برای هر یک از این واحدهای معنایی، یک «مضمون پایه» تعریف شد که جوهره مفهومی آن را در بر می‌گرفت. این فرآیند به‌صورت دستی و با یادداشت‌برداری مستمر انجام پذیرفت. به‌عنوان مثال: عبارت کتاب: «موسی (ع) در حرکت خود متعهد شد که یاور محرومان باشد»: مضمون پایه استخراج شده: «تعهد ایدئولوژیک به حمایت از محرومان» که در جدول ۲، ردیف ۸ آمده است.

۴-۲. ایجاد مضامین سازمان‌دهنده: در این مرحله، مضامین پایه مشابه از نظر محتوا و

مفهوم در قالب مقوله‌های انتزاعی‌تر دسته‌بندی شدند. مبنای این دسته‌بندی، ارتباط درونی و اشتراک معنایی مضامین پایه حول یک هسته مرکزی بود. هر دسته، یک «مضمون سازمان‌دهنده» را تشکیل داد که دامنه‌ای وسیع‌تر از مضامین پایه داشت و آن‌ها را تحت پوشش قرار می‌داد. (مثال: مضامین پایه «تعهد به حمایت از محرومان» (ردیف ۸)، «مسئولیت مستقیم حکمرانی در تأمین رفاه» (ردیف ۱۳) و «اعمال معیار امانت‌داری در گزینش» (ردیف ۱۲)، حول محور «مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی» دسته‌بندی شدند که در نهایت به شکل‌گیری الزام سوم کمک کرد).

۳-۴. تعیین مضامین فراگیر: در نهایت، با نگاهی کل‌نگر به تمامی مضامین سازمان‌دهنده و با توجه به سؤال اصلی پژوهش و چارچوب نظری حکمرانی تاب‌آور، مضامین سازمان‌دهنده در بالاترین سطح انتزاع با یکدیگر ادغام و ترکیب شدند. این ترکیب، منجر به شکل‌گیری سه مضمون فراگیر نهایی گردید که ارکان بنیادین الگوی مفهومی پژوهش را تشکیل می‌دهند. این سه مضمون فراگیر، در واقع پاسخ ساختاریافته به سؤال پژوهش درباره مؤلفه‌های حکمرانی تاب‌آور در سیره حضرت موسی علیه السلام هستند.

همان‌طور که ذکر شد، داده‌های مورد نیاز این مطالعه عمدتاً از طریق مطالعه عمیق و متمرکز کتاب «پیامبران دولتمرد» گردآوری شد (دیباچی، ۱۳۸۷). این منبع به دلیل غنای محتوایی و پوشش جنبه‌های مختلف حکمرانی حضرت موسی علیه السلام، به‌عنوان منبع اصلی انتخاب گردید. به منظور افزایش عمق تحلیلی، تقویت یافته‌ها و پوشش ابعاد تخصصی‌تر حکمرانی تاب‌آور (به‌ویژه در مواجهه با بحران‌ها)، از منابع علمی مکمل و هم‌پوشان نیز استفاده شد. برای نمونه، از پژوهش نجات‌بخش اصفهانی (۱۳۹۹) در تحلیل مضامین مرتبط با «سازگاری فعال» (نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۹: ۳۴)، از مطالعه باقری‌کنی و کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۲) در اعتباربخشی به مضامین «تعامل رهبر-جامعه» و «صبر» (باقری‌کنی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۵۷) و از تحقیق نوبری و بیات (۱۴۰۳) به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل واکنش‌های حکمرانی در برابر تهدیدات، بهره‌گرفته شد (نوبری و بیات، ۱۴۰۳: ۱۱۵). به منظور تضمین صحت، قابلیت اتکا و اعتبار یافته‌های کیفی،

مجموعه‌ای از راهبردهای اعتباربخشی به کار بسته شد. مهم‌ترین این راهبرد، استفاده از کدگذاران مستقل بود. در این راستا، چهار متخصص به‌صورت جداگانه به کدگذاری بخشی از داده‌ها پرداختند و میزان توافق بین آن‌ها با روش سنجش درصد توافق محاسبه گردید (حکاک، ۱۳۹۷: ۳۴۱). تنها کدهایی که مورد تأیید حداقل سه‌چهارم کدگذاران قرار داشتند، در تحلیل نهایی لحاظ شدند. راهبردهای تکمیلی دیگر شامل بازبینی مکرر داده‌ها و کدها در حین فرآیند، واریسی مستمر مقوله‌ها و مضامین و تطبیق مستمر یافته‌ها با متن منبع بودند. این رویکرد جامع، امکان ارزیابی چندبعدی داده‌ها را فراهم نموده و بر اعتبار علمی فرآیند تحقیق می‌افزاید.

۵. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، در مرحله نخست پژوهش، یافتن مضامین پایه مدنظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پایش آن، ۲۳ مضمون پایه به دست آمد که در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ردیف	مضمون پایه	داده
۱	مقصود روشن برای حکمرانی: (اصلاح اجتماعی و نجات از ظلم)	موسی (ع) پیامبری است که باهدف اصلاح اجتماعی و نجات مردم تحت ستم درصحنه تاریخ ظاهر شد.
۲	اتکای حکمرانی بر دو پایه دانش تخصصی (علم) و قدرت تصمیم‌گیری و داوری (حکم)	به موسی (ع) «علم و حکم» داده شد. این دو ویژگی، مقدمه‌ای ضروری برای حرکت انقلابی و رسیدن به حاکمیت هستند و بر ضرورت دانش و توانایی قضاوت و داوری در رهبری یک حکومت تأکید می‌کنند.
۳	عملکرد کارآمد و اصلاح‌گرایانه در تمامی عرصه‌های حکمرانی	موسی (ع) در حرکت انقلابی و اصلاح اجتماعی محسن است.

<p>زنده ماندن و تربیت موسی ﷺ که سرآغاز حرکت انقلابی اوست، مرهون نقش سرنوشت ساز سه زن (مادر، خواهر و همسر فرعون) است. این نقش آفرینی، الگویی برای آغاز اصلاحات اجتماعی یعنی از درون یک نظام ظالم است.</p>	<p>بهره‌گیری از شبکه‌های غیررسمی و متعهد برای بقا و تربیت رهبر</p>	<p>۴</p>
<p>ایمان راسخ این زنان در سخت‌ترین شرایط (عاطفی، تردید، رفاه) که هیچ‌کدام نتوانست آنان را از مسیر خود بازدارد، به عنوان یک اصل در حرکت‌های اصلاحی و انقلابی برای حاکمان و کارگزاران نظام معرفی می‌شود.</p>	<p>اعتبارسنجی کارگزاران بر اساس ایمان و پایداری راسخ</p>	<p>۵</p>
<p>ویژگی حاکم معصوم (دارای شریعت و توانایی) الگویی یکسان برای تمامی حاکمان در قلمرو دین خداست. حاکمانی که از زندگی او الگو می‌گیرند، موظف‌اند به اندازه توان خود این دو ویژگی (دارا بودن شریعت و توانایی) را کسب کنند.</p>	<p>الگوسازی حکمرانی مبتنی بر شریعت و کفایت برای حاکمان پس از خود</p>	<p>۶</p>
<p>حرکت انقلابی موسی ﷺ با آگاه‌سازی مردم (بیدارگری) و مقابله با بیدادگری فرعونی در سطح جامعه و در میان مردم عادی آغاز شد. این حرکت به تدریج رشد کرد و به «علنیت و مخالفت با فرعون» رسید.</p>	<p>اجرای استراتژی تغییر از پایین به بالا با محوریت آگاهی بخشی و عدالت‌خواهی</p>	<p>۷</p>
<p>موسی ﷺ در حرکت خود متعهد شد که یاور محرومان باشد و به دامن مجرمان و زورمندان درنیفتد. این تعهد، اساس منشور حکمرانی او را تشکیل می‌داد.</p>	<p>تعهد ایدئولوژیک به حمایت از محرومان و عدم سازش با صاحبان قدرت فاسد</p>	<p>۸</p>
<p>دولت موسی ﷺ به عنوان الگویی برای یک دولت کارآمد، مصلح و انقلابی ارائه شده است که مسیر خود را از انقلاب‌های صرفاً سیاسی یا رفرف‌های مسالمت‌آمیز جدا می‌کند و بر پایه اصلاحات بنیادین بر مبنای وحی استوار است</p>	<p>پیریزی حکمرانی بر اساس اصلاحات بنیادین و راهبردهای وحیانی</p>	<p>۹</p>
<p>بر اساس آیات قرآن، مصلحان (که ادامه دهندگان نهضت موسی ﷺ بودند) با دو ویژگی شناخته می‌شوند: تمسک به کتاب الهی (تورات/قرآن): که به معنای تقید به احکام و دستورات الهی است. اقامه نماز: که به عنوان</p>	<p>الزام کارگزاران به تمسک عملی به چارچوب قوانین الهی (کتاب) و مناسک</p>	<p>۱۰</p>

<p>نمونه‌ای کامل از تمسک عملی به دین و نمایشی از تمامی احکام الهی ذکر شده است. خداوند اجر این مصلحان را ضایع نمی‌کند.</p>	<p>انجام بخش (نماز)</p>	
<p>مصلحان و رهبران حکومت دینی، حتی در صورت نداشتن حامیان قدرتمند، باید متکی بر لطف و یاری خدا باشند و غلبه نهایی حق بر باطل را حتمی بدانند. این پیروزی ممکن است فوری نباشد و حتی سال‌ها بعد و پس از نسل آنان محقق شود.</p>	<p>انکا به پشتیبانی فرا مادی و باور به وعده‌های الهی در شرایط ضعف ظاهری</p>	<p>۱۱</p>
<p>دو ویژگی کلیدی برای یک مصلح و حاکم از منظر قرآن «قدرت» (قوت) و «امانت» است. این دو ویژگی در توصیف دختران شعیب از موسی (ع) به عنوان مبنایی برای گزینش کارگزاران حکومتی ارائه شده است.</p>	<p>اعمال دو معیار «توانمندی (قوت)» و «درستکاری (امانت)» در گزینش کارگزاران</p>	<p>۱۲</p>
<p>از وظایف اصلی حاکمیت دینی مداخله مستقیم برای رفع فقر و ناتوانی و اجرای عدالت اجتماعی است. این کار را نمی‌توان صرفاً به سازوکارهای خود اجتماع یا فرآیند توسعه واگذار کرد. عمل موسی (ع) در کمک مستقیم به دو زن ناتوان برای آب دادن به گوسفندانشان، الگویی برای این مسئولیت مستقیم دولت است.</p>	<p>مسئولیت مستقیم و فعال حکمرانی در تأمین رفاه و عدالت برای آسیب‌پذیرترین اقشار</p>	<p>۱۳</p>
<p>حکومت دینی حتی در تقابل با دشمنان سرسخت (مانند فرعون) باید پایبند به اخلاق و انعطاف باشد تا شاید موجب هدایت یا بازدارندگی آنان شود. این یک راهبرد حکومتی بر مبنای عقلانیت و اخلاق است، نه خشونت و تندروی.</p>	<p>کاربرد دیپلماسی نرم و گفتار مبتنی بر عقلانیت و اخلاق حتی با دشمنان متعصب</p>	<p>۱۴</p>
<p>یک حرکت انقلابی و حکومت مصلح نیازمند صبر استراتژیک و آینده‌نگری است و باید با اطمینان از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی، مسیر سخت و طولانی را با بردباری طی کند.</p>	<p>رویکرد حکمرانی با افق بلندمدت و صبر راهبردی در مواجهه با چالش‌ها</p>	<p>۱۵</p>
<p>یکی از اصول راهبردی در حکومت دینی، تبدیل تهدیدهای دشمن به فرصتی برای پیشبرد اهداف الهی است. این اصل در رویارویی موسی (ع) با ساحران به وضوح</p>	<p>تبدیل هوشمندانانه تهدیدها به فرصت از طریق جذب و تغییر</p>	<p>۱۶</p>

<p>دیده می‌شود. ساحران که توسط فرعون به عنوان تهدیدی علیه موسی ﷺ سازمان دهی شده بودند، با موعظه و نمایش معجزه، به مؤمنانی متعهد تبدیل شدند و به صف هواداران حکومت دینی پیوستند.</p>	<p>مواضع نیروهای مخالف</p>	
<p>حاکمیت دینی در برابر حملات شخصیتی و روانی دشمن (مانند نسبت سحر و فتنه گری که فرعون به موسی ﷺ داد) باید با منطق استوار، استدلال قاطع و آرامش پاسخ دهد و از ورود به حاشیه و تقابل احساسی پرهیزد.</p>	<p>مقابله با جنگ روانی دشمنان از طریق استدلال محکم و حفظ آرامش</p>	<p>۱۷</p>
<p>رهبر حکومت دینی باید در برابر ناشکیبایی، شکایت‌های بی‌مورد و حتی رفتارهای غیرمنطقی مردم، صبر و بردباری پیشه کند، برای آنان آرزوی پیروزی نماید و دائماً به تقویت روحیه و امید در آنان بپردازد. موسی ﷺ با وجود شکایت‌های مکرر بنی اسرائیل، روحیه آنان را تقویت می‌کرد و نقطه ضعف‌هایشان را با قوت تدبیر خود می‌پوشاند</p>	<p>مدیریت نارضایتی‌ها و شکایت‌های مردمی با صبر، امید دهی و تقویت روحیه جمعی</p>	<p>۱۸</p>
<p>یک رکن اصلی حکمرانی، داشتن برنامه و طرح مدون برای نجات مردم از ظلم و استثمار است. موسی ﷺ همواره در حال برنامه‌ریزی برای نجات بنی اسرائیل از سیستم فرعون‌ی بود.</p>	<p>تدوین برنامه و نقشه راه مدون برای خروج از بحران و استقرار نظم جدید</p>	<p>۱۹</p>
<p>حکومت دینی می‌تواند و باید از همه ابزارها و روش‌های مشروع (مانند بخشش، پاداش، دادن امان‌نامه، بستن عهدنامه و...) برای خنثی کردن تهدیدها و جذب مخالفان استفاده کند. این روش‌ها در سیره پیامبر اسلام ﷺ نیز به‌عنوان ادامه همان استراتژی الهی دیده می‌شود.</p>	<p>به‌کارگیری راهبردهای ترکیبی و ابزارهای مشروع (از عفو تا عهد) برای مدیریت مخالفان</p>	<p>۲۰</p>
<p>تنها نمایش قدرت کافی نیست. حکومت دینی باید مانند موسی ﷺ که پیش از نمایش معجزه، زمینه‌گرایش درونی ساحران را فراهم کرد، بتواند با منطق و گفت‌وگو، بسترهای فکری و قلبی برای تغییر موضع دشمنان را ایجاد کند.</p>	<p>ترکیب هوشمندانه قدرت اقناع (منطق) با نمایش قدرت (معجزه) برای ایجاد تغییر در مخالفان</p>	<p>۲۱</p>
<p>برخورد متفاوت با سه نوع فتنه: نظام موسی ﷺ با سه فتنه روبه‌رو بود و با هرکدام به شیوه‌ای متناسب برخورد کرد:</p>	<p>تفکیک و تشخیص انواع تهدیدها و برخورد</p>	<p>۲۲</p>

<p>فتنه اقتصادی (قارون): مقابله‌ای سخت همراه با آگاهی بخشی اجتماعی. فتنه فرهنگی-عقیدتی (سامری): مقابله‌ای قاطع و برخورد فیزیکی با نماد فتنه. فتنه صنفی و درخواست‌های مردمی: پاسخ‌گویی با حوصله وسیع، نرمش و چشم‌پوشی از بسیاری لجاجت‌ها.</p>	<p>متناسب و سیال با هر یک (سخت/نرم)</p>	
<p>موسی (ع) سرانجام بنی اسرائیل پراکنده و متزلزل را به جامعه‌ای قدرتمند و نیروهای پراکنده آن‌ها را در پیکره واحد امت تبدیل کرد.</p>	<p>ساماندهی و یکپارچه‌سازی جامعه پراکنده و تبدیل آن به یک «امت» منسجم و توانمند</p>	<p>۲۳</p>

همان گونه که در جدول شماره دو آورده شده است، با بررسی تاریخچه حکمرانی حضرت موسی با توجه به کتاب پیامبران دولتمرد مضامین پایه استخراج شدند. در مرحله بعدی، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه، چهار الزام کلیدی در کدها کشف کرد. این الزامات همان حکمرانی تاب‌آور نامیده می‌شوند، چراکه جهت ایجاد و فراگیر شدن حکمرانی تاب‌آور در کشور، این الزامات مورد نیاز است و اگر مخدوش شود حکومت در مواجهه با شوک‌ها آسیب خواهد دید:

الزام اول: «بنیان‌گذاری حکمرانی بر آرمانی تاب‌آور و مشروعیت‌بخش»

این الزام با استقرار یک «قطب‌نمای استراتژیک» قدرتمند، پایه سیستم حکمرانی را تشکیل می‌دهد. در حکمرانی موسی (ع)، این قطب‌نما بر آرمان الهی (مقصود روشن: نجات از ظلم - مضمون ۱)، مشروعیت‌دانشی و مدیریتی (علم و حکم - مضمون ۲)، عملکرد کارآمد (مضمون ۳)، الگوسازی برای تداوم (مضمون ۶) و اتکا به پشتیبانی فرامادی (مضمون ۱۱) استوار بود. این مبانی به سیستم در مواجهه با بحران‌ها جهت‌بخشیده، اعتماد جلب نموده و تاب‌آوری آن را در عمیق‌ترین سطح تضمین می‌کرد.

الزام دوم: «توسعه ظرفیت سازگاری فعال و مدیریت هوشمندانه بحران»

این الزام قلب ظرفیت سازگاری سیستم است. حکمرانی موسی (ع) یک سیستم پویا و

یادگیرنده بود که کلید تاب‌آوری آن، انعطاف‌پذیری راهبردی بود. این انعطاف از دیپلماسی نرم با دشمن (مضمون ۱۴) تا صبر راهبردی (مضمون ۱۵) و تبدیل تهدید به فرصت (مضمون ۱۶) گسترده بود. در مواجهه با بحران، رویکردی خردمندانه شامل حفظ آرامش و استدلال (مضمون ۱۷) و مدیریت نارضایتی‌های داخلی (مضمون ۱۸) اتخاذ می‌شد. حکمرانی او از راهبردهای ترکیبی (مضمون ۲۰) و تلفیق اقناع و قدرت (مضمون ۲۱) بهره می‌برد و با تشخیص و برخورد سیال با تهدیدات (مضمون ۲۲)، پاسخی متناسب با ماهیت هر بحران ارائه می‌داد.

الزام سوم: «نهادسازی و سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی و اجتماعی متعهد»

این الزام ستون‌های حامل سیستم را تشکیل می‌دهد. بهره‌گیری از شبکه‌های غیررسمی (مضمون ۴) نشان می‌دهد حکمرانی تاب‌آور از کل ظرفیت‌های جامعه استفاده می‌کند. گزینش کارگزاران بر اساس ایمان و پایداری (مضمون ۵) و معیارهای دوگانه قوت و امانت (مضمون ۱۲)، ستون فقرات حکومت توانا را می‌سازد. تعهد به محرومان (مضمون ۸) و مسئولیت‌پذیری در قبال آسیب‌پذیران (مضمون ۱۳)، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. الزام به چارچوب قانونی (مضمون ۱۰) نیز انسجام درونی سیستم را تقویت می‌نماید. این الزام در مجموع، «بدنه» قدرتمندی برای سیستم فراهم می‌کند.

الزام چهارم: «رهبری تحول‌آفرین و اجرای استراتژی تغییر بنیادین»

این الزام عالی‌ترین سطح تاب‌آوری را هدف می‌گیرد. حکمرانی موسی علیه السلام با استراتژی تغییر از پایین به بالا (مضمون ۷) و اصلاحات بنیادین و حیانی (مضمون ۹) آغاز شد. این تحول با برنامه و نقشه راه مدون (مضمون ۱۹) و درنهایت تبدیل جامعه پراکنده به «امت» منسجم و توانمند (مضمون ۲۳) به نتیجه رسید. این موفقیت، تجسم عینی ظرفیت دگرگونی در حکمرانی تاب‌آور است.

درنهایت و در بالاترین سطح انتزاع، فرآیند تحلیل مضمون سلسله‌مراتبی داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون فراگیر به عنوان ارکان بنیادین الگوی حکمرانی تاب‌آور مبتنی بر سیره حضرت موسی علیه السلام گردید. این مضامین فراگیر، شبکه معنایی جامعی را تشکیل می‌دهند که

چارچوب مفهومی حکمرانی تاب‌آور را در سه حوزه محوری ترسیم می‌نمایند.

مضمون فراگیر اول: سطح الزامات حکمرانی در حوزه مبانی آرمانی و مشروعیت‌بخش

این مضمون فراگیر، ناظر بر بنیان‌های متعالی و جهت‌گیری کلان نظام حکمرانی است که نقش «سازه معنابخش» را ایفا می‌نماید. این مضمون دربرگیرنده مفاهیمی است که مشروعیت حکمرانی را بر پایه آرمانی توحیدی و مقصدشناسی و حیانی استوار می‌سازد. در ذیل این مضمون، الزام اول (بنیان‌گذاری حکمرانی بر آرمانی تاب‌آور و مشروعیت‌بخش) و وجه آرمانی الزام چهارم (رهبری تحول‌آفرین و اجرای استراتژی تغییر بنیادین) جای می‌گیرند. مضامین پایه‌ای چون «مقصود روشن برای حکمرانی (نجات از ظلم و اصلاح اجتماعی)»، «اتکای به پشتیبانی فرامادی»، «الگوسازی حکمرانی مبتنی بر شریعت و کفایت» و «پیریزی حکمرانی بر اساس اصلاحات بنیادین و راهبردهای و حیانی»، همگی تجلی‌بخش این بُعد از حکمرانی هستند که به سیستم، «جهت استراتژیک» و «عمق وجودی» می‌بخشد.

مضمون فراگیر دوم: سطح الزامات حکمرانی در حوزه مدیریت راهبردی و سازگاری

این مضمون فراگیر، بیانگر توانایی نظام حکمرانی در حوزه عمل و مدیریت پویای بحران‌ها است. این مضمون بر «ظرفیت سازگاری فعال»، «انعطاف‌پذیری راهبردی» و «یادگیری سازمانی» در مواجهه با تهدیدات تأکید دارد. این مضمون به طور مستقیم الزام دوم (توسعه ظرفیت سازگاری فعال و مدیریت هوشمندانه بحران) و بعد برنامه‌ریزی و اجرایی الزام چهارم (تدوین برنامه و نقشه راه مدون) را در بر می‌گیرد. راهبردهای استخراج شده از مضامین پایه، از جمله «تبدیل هوشمندانه تهدیدها به فرصت»، «به‌کارگیری راهبردهای ترکیبی و ابزارهای مشروع»، «کاربرد دیپلماسی نرم» و «تشخیص و برخورد متناسب با تهدیدات»، همگی ذیل این مضمون قابل تحلیل هستند و ظرفیت «تطبیق پویا» و «مدیریت اقتضایی» سیستم حکمرانی را نمایان می‌سازند.

مضمون فراگیر سوم: سطح الزامات حکمرانی در حوزه نهادسازی و توسعه سرمایه‌های

انسانی و اجتماعی

سومین مضمون فراگیر، بر زیرساخت‌های نهادی، ساختاری و اجتماعی نظام حکمرانی

تمرکز دارد و «ستون‌های استواری» سیستم را تشکیل می‌دهد. این مضمون نشان می‌دهد که تاب‌آوری صرفاً متکی به راهبردهای کلان نیست، بلکه وابسته به نهادهای بادوام و شبکه‌های اجتماعی قدرتمندی است که امکان «خودسازمان‌دهی»، «تداوم عملکرد» و «انسجام درونی» را فراهم می‌آورند. این مضمون، حاصل تلفیق الزام سوم (نهادسازی و سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی و اجتماعی متعهد) و دستاورد نهایی الزام چهارم (ساماندهی و یکپارچه‌سازی جامعه پراکنده و تبدیل آن به امت) است. مضامینی چون «اعتبارسنجی کارگزاران بر اساس ایمان و پایداری راسخ»، «اعمال معیارهای دوگانه توانمندی (قوت) و درستکاری (امانت)»، «تعهد ایدئولوژیک به حمایت از محرومان»، «مسئولیت مستقیم حکمرانی در تأمین رفاه و عدالت» و درنهایت «ایجاد امت منسجم و توانمند»، همگی شاکله سرمایه انسانی و اجتماعی لازم برای پایداری و تاب‌آوری سیستم در شرایط بحرانی را تشکیل می‌دهند. این الزامات همان حکمرانی تاب‌آور نامیده می‌شوند چراکه جهت ایجاد و فراگیر شدن حکمرانی تاب‌آور در کشور، این الزامات مورد نیاز است و اگر مخدوش شوند حکومت از تاب‌آوری در مواجهه با شوک‌ها آسیب خواهد دید.

جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده نمود:

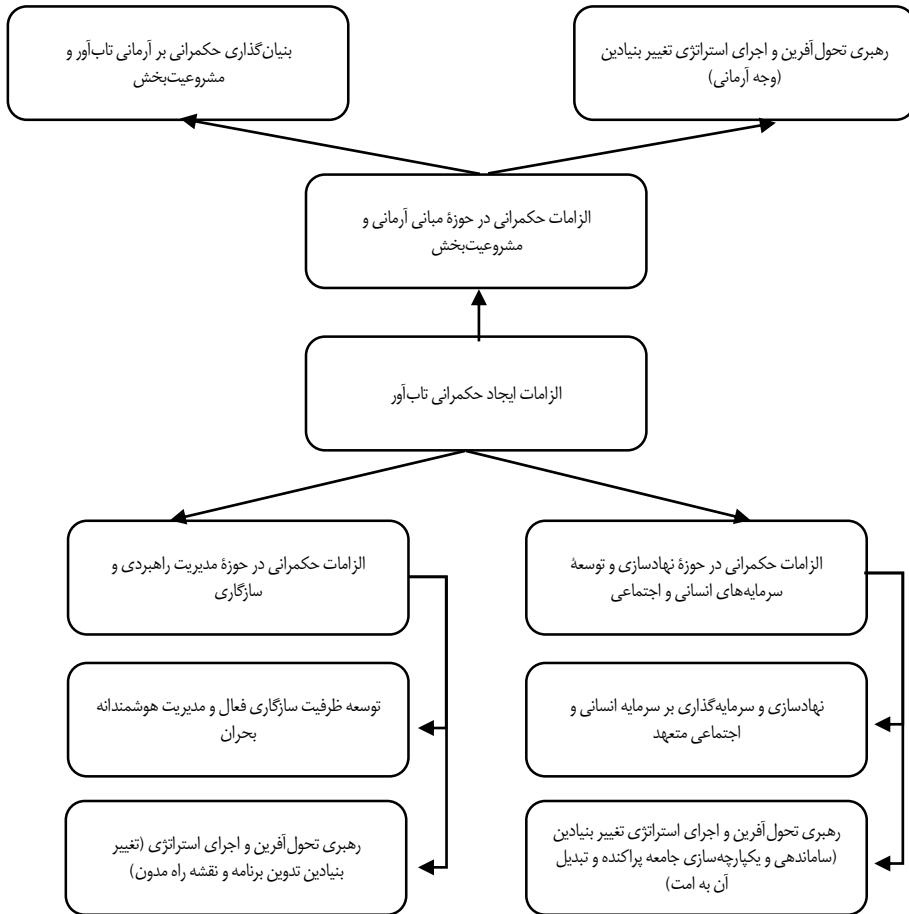
جدول ۳. مضامین پژوهش

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
مقصود روشن برای حکمرانی: (اصلاح اجتماعی و نجات از ظلم)، اتکای حکمرانی بر دو پایه دانش تخصصی (علم) و قدرت تصمیم‌گیری و داوری (حکم)، عملکرد کارآمد و اصلاح‌گرایانه در تمامی عرصه‌های حکمرانی، الگوسازی حکمرانی مبتنی بر شریعت و کفایت برای حاکمان پس از خود، اتکا به پشتیبانی فرامادی و باور به وعده‌های الهی در شرایط ضعف ظاهری	بنیان‌گذاری حکمرانی بر آرمانی تاب‌آور و مشروعیت‌بخش، رهبری تحول‌آفرین و اجرای استراتژی تغییر بنیادین (وجه آرمانی)	سطح الزامات حکمرانی در حوزه مبانی آرمانی و مشروعیت‌بخش

<p>کاربرد دیپلماسی نرم و گفتار مبتنی بر عقلانیت و اخلاق حتی با دشمنان متعصب، رویکرد حکمرانی با افق بلندمدت و صبر راهبردی در مواجهه با چالش‌ها، تبدیل هوشمندانه تهدیدها به فرصت از طریق جذب و تغییر مواضع نیروهای مخالف، مقابله با جنگ روانی دشمنان از طریق استدلال محکم و حفظ آرامش، مدیریت نارضایتی‌ها و شکایت‌های مردمی با صبر، امیددهی و تقویت روحیه جمعی، به‌کارگیری راهبردهای ترکیبی و ابزارهای مشروع (از عفو تا عهد) برای مدیریت مخالفان، ترکیب هوشمندانه قدرت اقناع (منطق) با نمایش قدرت (معجزه) برای ایجاد تغییر در مخالفان، تفکیک و تشخیص انواع تهدیدها و برخورد متناسب و سیال با هر یک (سخت/نرم)، تدوین برنامه و نقشه راه مدون برای خروج از بحران و استقرار نظم جدید</p>	<p>توسعه ظرفیت سازگاری فعال و مدیریت هوشمندانه بحران، رهبری تحول‌آفرین و اجرای استراتژی (تغییر بنیادین تدوین برنامه و نقشه راه مدون)</p>	<p>سطح الزامات حکمرانی در حوزه مدیریت راهبردی و سازگاری</p>
<p>بهره‌گیری از شبکه‌های غیررسمی و متعهد برای بقا و تربیت رهبر، اعتبارسنجی کارگزاران بر اساس ایمان و پایداری راسخ، تعهد ایدئولوژیک به حمایت از محرومان و عدم سازش با صاحبان قدرت فاسد، الزام کارگزاران به تمسک عملی به چارچوب قوانین الهی (کتاب) انسجام بخش (نماز)، مسئولیت‌مستقیم و فعال حکمرانی در</p>	<p>نهادسازی و سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی و اجتماعی متعهد، رهبری تحول‌آفرین و اجرای استراتژی تغییر بنیادین (ساماندهی و یکپارچه‌سازی جامعه پراکنده و تبدیل آن به امت)</p>	<p>سطح الزامات حکمرانی در حوزه نهادسازی و توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی</p>

<p>تأمین رفاه و عدالت برای آسیب‌پذیرترین اقشار، ساماندهی و یکپارچه‌سازی جامعه پراکنده و تبدیل آن به یک «امت» منسجم و توانمند</p>	
--	--

بر اساس جدول ۳ می‌توان شبکه مضامین پژوهش را در قالب شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱. شبکه مضامین پژوهش

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، طراحی مدلی مفهومی برای «حکمرانی تاب‌آور» با اتکا به سیره رهبری حضرت موسی علیه السلام و با بهره‌گیری از چارچوب نظری حکمرانی تاب‌آور و روش تحلیل

مضمون بود. در جهان معاصر که با بحران‌های پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی مواجه است، پارادایم تاب‌آوری به عنوان یک راهبرد کلیدی برای تقویت سیستم‌های حکمرانی مطرح گردیده است. با این وجود، ادبیات موجود عمدتاً بر جوامع مدرن متمرکز بوده و از غنای میراث حکمت عملی تمدن‌های کهن و به‌ویژه سیره انبیای الهی غافل مانده است. این پژوهش درصدد بود تا با پر کردن این خلأ نظری، الگویی بدیع ارائه نماید که نه تنها در بستری تاریخی و دینی راستی آزمایی شده، بلکه قابلیت تطبیق و الهام بخشی برای حکمرانی در عصر حاضر را دارا باشد.

یافته‌های این تحقیق که از طریق تحلیل مضمون کتاب «پیامبران دولتمرد» استخراج شد، منجر به شناسایی ۲۳ مضمون پایه، ۴ الزام سازمان دهنده و درنهایت ۳ مضمون فراگیر شد. این سلسله مراتب مضامین، در قالب یک الگوی مفهومی منسجم، «حکمرانی تاب‌آور مبتنی بر آموزه‌های موسی (ع)» را ترسیم می‌نماید. در سطح کلان، این الگو بر سه رکن بنیادین استوار است:

سطح الزامات حکمرانی در حوزه مبانی آرمانی و مشروعیت‌بخش:

سطح اول به هسته هویتی حکمرانی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد تاب‌آوری پایدار در حکمرانی موسی (ع) ریشه در آرمانی روشن و مشروعیت فرامادی داشت. مضامینی چون مقصود روشن، اتکا بر علم و حکم، الگوسازی برای تداوم و پشتیبانی فرامادی، نشان می‌دهد این حکمرانی بر مأموریت توحیدی استوار بود. این «قطب نمای آرمانی» سیستم را از «مدیریت بحران» به «رهبری تحول» ارتقا می‌داد.

سطح الزامات حکمرانی در حوزه مدیریت راهبردی و سازگاری:

این سطح توانایی عملیاتی سیستم را نشان می‌دهد. حکمرانی موسی (ع) با راهبردهایی چون تبدیل تهدید به فرصت، دیپلماسی نرم، مدیریت نارضایتی‌ها، راهبردهای ترکیبی و تشخیص سیال تهدیدات، «ظرفیت سازگاری فعال» خود را نشان داد. همان‌گونه که نوبری و بیات (۱۴۰۳) نشان داده‌اند، این سیستم در برابر «جنگ ترکیبی» فرعون ایستادگی و آن را به فرصتی برای خلق «امت منسجم» تبدیل نمود (نوبری و بیات، ۱۴۰۳: ۱۱۵). این گذار در

چارچوب حاضر، عینیت بخشیدن به «ظرفیت سازگاری فعال» و «ظرفیت دگرگونی» در نظریه حکمرانی تاب‌آور محسوب می‌شود.

سطح الزامات حکمرانی در حوزه نهادسازی و توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی:

این سطح بر «ظرفیت خودسازمان‌دهی» تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد تاب‌آوری حکمرانی موسی علیه السلام مستلزم زیرساخت‌های نهادی مستحکم و سرمایه انسانی و اجتماعی متعهد بود. مضامینی چون بهره‌گیری از شبکه‌های غیررسمی، گزینش کارگزاران بر اساس ایمان و شایستگی، تعهد به محرومان و ایجاد امت منسجم، سرمایه‌گذاری هوشمندانه بر سرمایه اجتماعی و انسانی را نشان می‌دهد.

الگوی به‌دست‌آمده از این پژوهش، حکمرانی تاب‌آور را نه به‌عنوان یک مجموعه از تکنیک‌های مجزا، بلکه به‌مثابه یک «سیستم یکپارچه و سینرژیک» معرفی می‌کند که در آن «آرمان»، «سازگاری» و «ساختار» در تعاملی پویا، سیستم را قادر می‌سازند تا نه‌تنها در برابر شوک‌ها مقاومت کند، بلکه از دل بحران‌ها، متعالی‌تر و توانمندتر ظاهر گردد. همچنین این الگو علاوه بر غنای نظری، برای حکمرانی معاصر کاربردی است: برای سیاست‌گذاران در بازتعریف مبانی مشروعیت و تقویت سرمایه اجتماعی و برای رهبران در تلفیق قاطعیت با انعطاف و عدالت‌خواهی با مدیریت خردمندانه بحران.

در پایان، اگرچه این پژوهش با تمرکز بر متن خاصی (پیامبران دولتمرد) انجام شده و تعمیم‌پذیری آن نیازمند مطالعات بیشتر در سایر متون است، اما گامی اولیه و مؤثر در مسیر بومی‌سازی الگوهای حکمرانی و احیای میراث عملی تمدن اسلامی محسوب می‌شود. پژوهش‌های آینده می‌توانند این الگو را در بسترهای مختلف تاریخی یا با روش‌های کمی مورد آزمون قرار دهند و دامنه کاربردی آن را گسترش دهند. بی‌تردید، بازخوانی سیره حکمرانی انبیا، کهن‌الگوهایی جاودان را پیش روی بشریت قرار می‌دهد که گذر زمان نه‌تنها از اصالت آن‌ها نمی‌کاهد، بلکه بر ضرورت بازگشت به آن‌ها می‌افزاید.

تشکر و سپاسگذاری

از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این کار استفاده شد، صمیمانه تشکر می‌کنم.

تعارض منافع

این تحقیق هیچ تضاد منافی برای نویسندگان نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ کمکی از سازمان‌های مالی دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی نگرفته است.

کتاب‌نامه

- اکبری، ظاهر و ولی الله نقی پورفر (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله با مسائل فرهنگی و اجتماعی در سیره مدیریتی حضرت موسی علیه السلام از منظر قرآن. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۶ (۷)، ۷۵-۹۲.
- باقری کنی، مصباح الهدی و محمدرضا کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۲). تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی علیه السلام؛ پژوهشی قرآنی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۷ (۲)، ۱۵۷-۱۸۸.
- پیروز، علی آقا (۱۴۰۰). عناصر اساسی حکمرانی اداری از منظر آموزه‌های اسلامی. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹ (۲۰)، ۱۶۵-۱۹۲.
- حکاک، محمد، حسن صالحی و یونس فرقانی (۱۳۹۷). طراحی الگوی مفهومی اسلام برای عدالت در نظام جبران خدمات، مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۷ (۱۶)، ۳۴۱-۳۵۸.
- حکم‌آبادی، سید حامد و سلیمی فلاحی (۱۴۰۳). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تاب‌آوری اقتصادی کشورهای منتخب صادرکننده نفت با تمرکز بر کنترل فساد. تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، ۹ (۲)، ۲۱۹-۲۵۰.
- خرقانی، خیاط و محمد ظاهر قربانی (۱۴۰۲). نماد و نقش آن در فرازمانی بودن قصه‌های قرآنی (مطالعه موردی داستان حضرت موسی علیه السلام). آموزه‌های قرآنی، ۳۶ (۱۹)، ۹۹-۱۱۹.
- دیباچی، سید محمدعلی (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد: پژوهشی درباره مدل‌های حکومت در قرآن. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (ق ۴۲۵). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
- رنگریز، حسن (۱۳۹۸ الف). طراحی الگوی حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷ (۱۵)، ۵۵-۸۴.
- رنگریز، حسن (۱۳۹۸ ب). طراحی الگوی دولت علوی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه. پژوهش‌نامه علوی، ۱۰ (۲)، ۲۳-۴۶.
- رنگریز، حسن (۱۴۰۱ ج). طراحی مدل جامع حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با رویکرد تحلیل مضمون. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۲۰ (۹)، ۱۰۴-۱۳۵.
- سید جعفری، سید امیر (۱۴۰۴). مکانیسم‌ها و پیامدهای سوگیری خوش بینی در تصمیمات حکمرانی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۳ (۲۷)، ۹۰-۱۲۱.
- شیخی علی‌آباد (۱۴۰۳). ویژگی‌های رفتاری رهبر از منظر قرآن (با تأکید بر ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام). اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۲۸ (۱۴)، ۸-۲۰.

- لکزایی، شریف، حسین‌پور اصل کلشانی و حدادی (۱۴۰۴). ابعاد چهارگانه حکمرانی در قرآن: تحلیل روایت‌های انبیای پیش از اسلام. علوم سیاسی، ۲۷ (۴)، ۵۳-۶.
- نجات‌بخش اصفهانی، علی (۱۳۹۹). الگوی مدیریت بحران حضرت موسی ﷺ در آیات قرآن کریم. علم و تمدن در اسلام، ۲ (۵)، ۵۵-۳۴.
- نوبری، علیرضا و حامد بیات (۱۴۰۳). الگوی چگونگی مقابله فرعون با موسی ﷺ و منتظران ایشان از بنی اسرائیل بر اساس تحلیل محتوای آیات ناظر قرآن کریم. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۸ (۴)، ۱۴۱-۱۱۵.
- Akbari, Z., & Naqipourfar, V. (2018). Strategies for dealing with cultural and social issues in the managerial conduct of Prophet Moses from the perspective of the Quran. *Islam and Management Research*, 16(7), 75-92.
- Akgun, A. E. Keskin, H. & Byrne, J (2014). Complex adaptive systems theory and firm product innovativeness. *Journal of Engineering and Technology Management*, 31, 21-42.
- Bagheri Kani, M., & Kazemi Najafabadi, M. R. (2013). Explaining the leadership model of the Israelites by Prophet Moses: A Quranic study. *Strategic Management Thought*, 7(2), 157-188.
- Bedi, N. Bishop, M. Hawkins, U. Miller, O. Pedraza, R. Preble, A. & Rico-Rairan, A (2014). Linking resilience and good governance: A literature review. *Anthos*, 6(1), 1-23.
- Braun, V. & Clarke, V (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Dibaji, S. M. A. (2008). Prophet-statesmen: A study on governance models in the Quran. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center.
- Hakak, M., Salehi, H., & Forqani, Y. (2018). Designing an Islamic conceptual model for justice in the compensation system based on the teachings of Nahj al-Balaghah. *Management in Islamic University*, 7(16), 341-358.
- Hershey, H. & Friedman, L. W (2018). Even great leaders make mistakes: Learning leadership from Moses. *Journal of Leadership and Management*, 13(3), 1-12.
- Hokmabadi, S. H., & Salimifar Falahi (2024). Investigating the effect of good governance on economic resilience of selected oil-exporting countries with a focus on corruption control. *Economic Analyses of Iran's Development*, 9(2), 219-250.
- Holling, C. S (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual Review of Ecology*

- and *Systematics*, 4, 1-23 .
- Kharaqani, K., & Qorbani, M. Z. (2023). Symbol and its role in the timelessness of Quranic stories (Case study: The story of Prophet Moses). *Quranic Teachings*, 36(19), 99–119.
- Lakzaei, S., Hosseinpour Asl Kelashani, & Haddadi (2025). The four dimensions of governance in the Quran: An analysis of the narratives of pre-Islamic prophets. *Political Science*, 27(4), 6–53.
- Lebel, L. Anderies, J. M. Campbell, B. Folke, C. Hatfield-Dodds, S. Hughes, T. P. & Wilson, J (2006). Governance and the capacity to manage resilience in regional social-ecological systems. *Ecology and Society*, 11(1), 19.
- Nejatbakhsh Esfahani, A. (2020). The crisis management model of Prophet Moses in the verses of the Holy Quran. *Science and Civilization in Islam*, 2(5), 34–55.
- Nowbari, A., & Bayat, H. (2024). The pattern of Pharaoh's confrontation with Moses and his Israelite followers based on content analysis of relevant Quranic verses. *Quranic Studies and Islamic Culture*, 8(4), 115–141.
- Pieraccini, M (2019). Towards just resilience: representing and including new constituencies in adaptive governance and law. *Journal of Environmental Law*, 31(2), 213-234.
- Pirouz, A. A. (2021). Basic elements of administrative governance from the perspective of Islamic teachings. *Islamic Policy Research*, 9(20), 165–192.
- Raghib Isfahani, H. M. (1034 CE). *Mufradat alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam. (Original work published 425 AH)
- Rangriz, H. (2019a). Designing a sustainable governance model based on Imam Ali's governmental decree to Malik al-Ashtar. *Islamic Policy Research*, 7(15), 55–84.
- Rangriz, H. (2019b). Designing the Alawi government model based on the teachings of Nahj al-Balaghah. *Alawi Research Journal*, 10(2), 23–46.
- Rangriz, H. (2022c). Designing a comprehensive model of religious government based on the teachings of Prophet Muhammad using thematic analysis approach. *Islamic Policy Research*, 20(9), 104–135.
- Saikia, P. & Jiménez, A. (2023). Governance attributes for building water resilience: a literature review. *Water International*, 48(7), 809-838.
- Seyed Jafari, S. A. (2025). Mechanisms and consequences of optimism bias in governance

decisions from the perspective of the Holy Quran and Nahj al-Balaghah. *Islamic Policy Research*, 13(27), 90–121.

Sheikhi Aliabad (2024). Behavioral characteristics of a leader from the Quranic perspective (with emphasis on the behavioral characteristics of Prophet Moses). *Islam and Management Research*, 28(14), 8–20.

Stirling, J (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.

Stoker, G (1998). Governance as theory: five propositions. *International Social Science Journal*, 50(155), 17-28.

Walker, B. Holling, C. S. Carpenter, S. R. & Kinzig, A (2004). Resilience, adaptability and transformability in social-ecological systems. *Ecology and Society*, 9(2), 5.